

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۲۴/۲۰۹ آذر ۱۴۰۲ / ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳

لغو پروانه وکالت، ابزاری برای فشار مضاعف
بر وکلای دادگستری



در این شماره می‌خوانید:

ابطال پروانه وکلای حقوق بشری، مصداق بارز سوءاستفاده

از قدرت

کانون وکلای دادگستری؛ نیمه جان و تحت سیطره نهادهای

حکومت ایران

کانون‌های وکلای دادگستری به بازوی سرکوب حکومت

ایران تبدیل شده است

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا از کانون‌های وکلای یک نهاد

«بله قربان‌گو» بسازد

لغو پروانه وکالت به‌مثابه ابزاری برای اعمال فشار مضاعف

بر وکلای مدافع حقوق بشر

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، جواد عباسی توللی

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



محمد مقیمی

ابطال پروانه وکلای حقوق بشری، مصدق بارز سوءاستفاده از قدرت



ندارد و در نهایت محکوم به فنا است.

یکی از بازیگران تاثیرگذار جامعه مدنی وکلای دادگستری هستند. پس از انقلاب اسلامی با وجود اینکه کانون وکلای دادگستری مورد غضب انقلابیون قرار گرفت و حتی برای مدتی تعطیل شد و برخی وکلاء نیز بازداشت شدند، اما برخی وکلای دادگستری همواره نسبت به رخدادهای جامعه واکنش درخور نشان داده‌اند و در قالب نگارش مقاله، انجام مصاحبه و دفاع از موکلانشان در دادگاه‌ها، نقش بسزایی در احقاق حقوق مردم و ارتقاء حقوق بشر ایفاء کرده‌اند. بنابراین، جمهوری اسلامی نیز همواره با این دسته از وکلای دادگستری بطور قهری برخورد کرده است. چنانکه بسیاری از آنان به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند (از جمله نسرین ستوده، محمد سیف‌راده، عبدالفتاح سلطانی، گیتی پورفاضل، امیرسالار داودی و آرش کیخسروی)، برخی مجبور به ترک وطن شده‌اند و پروانه وکالت بعضی دیگر نیز ابطال یا تعلیق شده است.

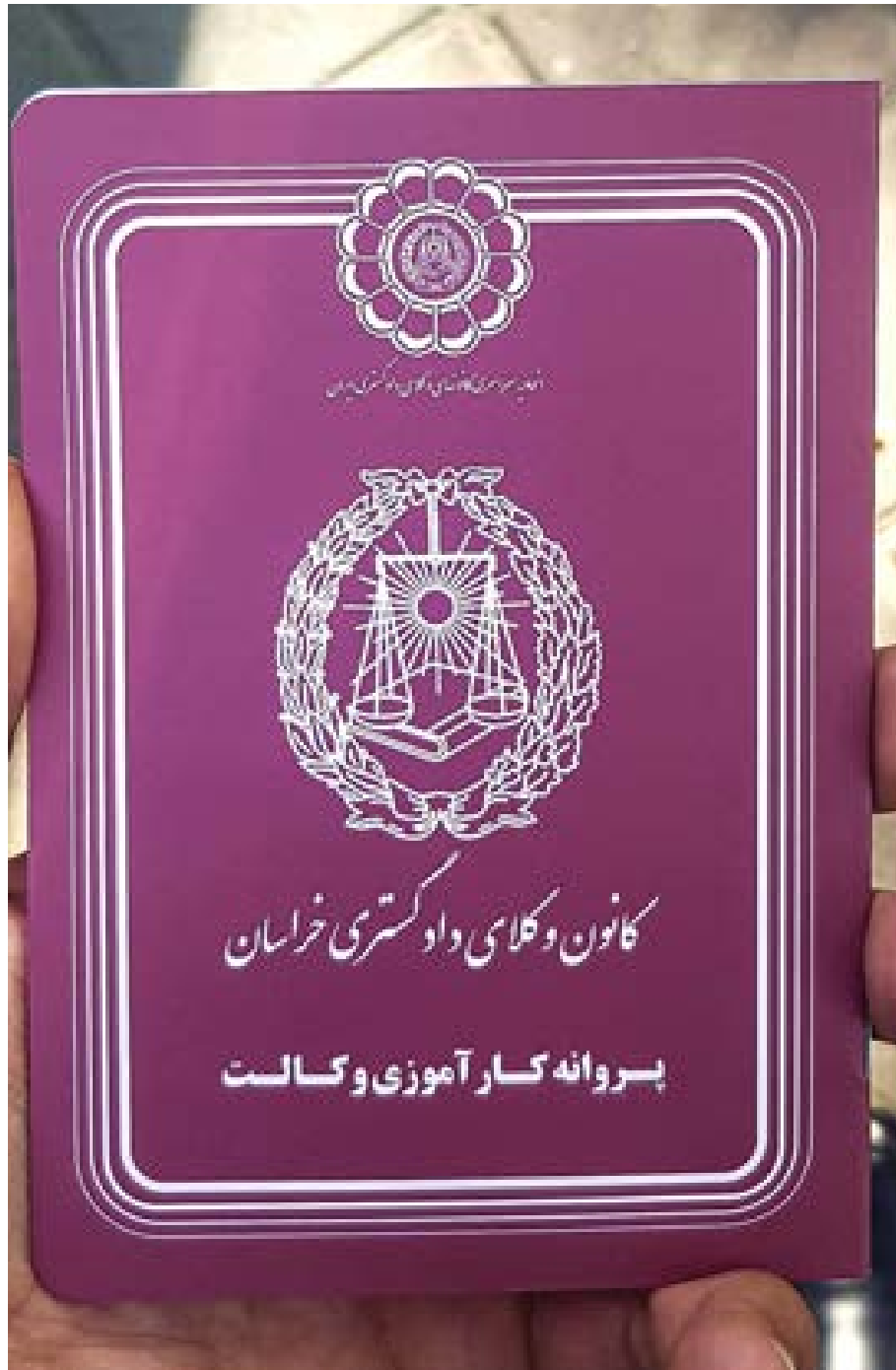
اخیرا نیز شاهد آن هستیم که جمهوری اسلامی برای اینکه معدود وکلای حقوق بشری را با هدف پرهیز از قبول پرونده‌های حقوق بشری مرعوب کند، آنان را به ابطال پروانه وکالتشان تهدید می‌کند. در واقع، از

حکومت جمهوری اسلامی مانند دیگر رژیم‌های توتالیتر، برای ادامه بقا خود استراتژی سرکوب و ارباب را در پیش گرفته است. در این استراتژی حکومت سعی دارد با بازداشت خودسرانه عده‌ای از فعالان و معترضان و تشکیل پرونده قضایی در دادگاه‌های نمایشی و صدور احکام سنگین، در میان جامعه و بویژه فعالان سیاسی و مدنی فضای رعب و وحشت ایجاد کند. در واقع، حکومت با این نوع از سرکوب می‌خواهد به بقیه جامعه این پیام را ارسال کند که در صورت مبارزه و اعتراض با عواقب سنگینی روبرو خواهند شد. در این استراتژی حکومت حاضر است که در جامعه داخلی و بین‌المللی هزینه اقدامات قهری و سرکوب فعالان و مخالفان را بپردازد، اما یک بازدارندگی در میان فعالان، معترضان و مخالفان جامعه ایجاد کند که مانع گسترش اعتراضات و به مخاطره انداختن نظام شود. البته پر واضح است که استراتژی حکمرانی برپایه ایجاد رعب و وحشت، یک استراتژی تهی است که درازمدت کارایی

آنجایی که صدور احکام سنگین به تنهایی و رای صادر می‌کند. همچنین است در مانع ورود برخی وکلاء در پرونده‌های مواردی که تخلف انتظامی یک وکیل حقوق بشری نشده است، حکومت سعی مجازاتش تعلیق یا ابطال پروانه وکالت دارد، با هدف قرار دادن امکان امرار معاش باشد، در این موارد دادگاه انتظامی وکلاء وکلاء، زندگی شخصی و خانوادگی آنان را راسا مبادرت به صدور حکم می‌کند. علت مورد تهدید قرار دهد و بدین وسیله آنان را از پذیرش پرونده‌های سیاسی و عقیدتی رسیدگی در خصوص تعلیق یا ابطال پروانه برحذر دارد. این عملکرد جمهوری اسلامی وکیل است، این است که حکومت نتواند با در حالی رخ می‌دهد که تبصره ۳ ماده واحده اعمال نفوذ و سوءاستفاده از قدرت، استقلال قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی وکلاء را از میان ببرد و امنیت شغلی آنان را مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص به خطر اندازد و مانع اجرای وظایف حرفه مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «وکیل در وکلاء در دفاع از حقوق شهروندان شود.

موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین البته جمهوری اسلامی سعی کرده است در شغل قضا، برخوردار می‌باشد. کانون‌های وکلای دادگستری نفوذ کند و با نظارت استصوابی و رد صلاحیت وکلاء در

از نظر قانونی وکیل دادگستری از نوعی مصونیت در اجرای وظایف حرفه‌ای خود برخوردار است. بدین شکل که تنها مرجع قانونی که می‌تواند پروانه وکالت وکیل را تعلیق یا ابطال کند، دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری است. در واقع، اگر وکیل دادگستری مرتکب جرمی شود که برابر لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و آیین‌نامه آن مستحق تعلیق یا ابطال پروانه وکالتش باشد، دادستان مکلف است که به کانون متبوع وکیل متخلف گزارش می‌دهد و دادسرا و دادگاه انتظامی وکلاء برابر با قانون به موضوع رسیدگی



وکلاهی دادگستری اما نه تنها هیچ اقدام موثری در دفاع از وکلایی که از سوی نهادهای امنیتی و مراجع قضائی تحت فشار قرار گرفته‌اند، انجام نداده‌اند بلکه اعضای هیئت مدیره برخی از این کانون‌ها، در هم‌دستی آشکار و پنهان با نهادهای حکومتی، فشار مضاعفی را متوجه وکلای زندانی کرده‌اند.

« آیا امیرسالار داوودی که به دلیل فعالیت بشری خود بازداشت و با حکم حبس طولانی مدت مواجه شده است، مدت‌هاست که تمدید نشده است. طناز کلاهیچیان، وکیل دادگستری و همسر امیرسالار داوودی با اعلام این خبر به مجله حقوق ما، گفت: «پس از بازداشت امیرسالار داوودی و ابلاغ حکم ۳۰ سال حبس به او، این وکیل دادگستری، به عنوان مجازات تبعی، به محرومیت از فعالیت وکالت به مدت دو سال محکوم شده بود.»

مجله حقوق ما، برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، با طناز کلاهیچیان گفت‌وگو کرده است

پس از پرونده‌سازی علیه امیرسالار داوودی و بازداشت او، آیا این وکیل دادگستری همچنان می‌تواند به عنوان وکیل دادگستری به فعالیت خود ادامه دهد؟

پس از بازداشت امیرسالار داوودی و ابلاغ حکم ۳۰ سال حبس برای او، در یکی از بندهای حکم دادگاه، محرومیت از فعالیت وکالت به مدت دو سال، به عنوان مجازات عقیدتی، همچنان ادامه دارد، کانون‌های



جواد عباسی توللی

پروانه وکالت امیر سالار داوودی، وکیل دادگستری که به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری خود بازداشت و با حکم حبس طولانی مدت مواجه شده است، مدت‌هاست که تمدید نشده است.

طناز کلاهیچیان، وکیل دادگستری و همسر امیرسالار داوودی با اعلام این خبر به مجله حقوق ما، گفت: «پس از بازداشت امیرسالار داوودی و ابلاغ حکم ۳۰ سال حبس به او، این وکیل دادگستری، به عنوان مجازات تبعی، به محرومیت از فعالیت وکالت به مدت دو سال محکوم شده بود.»

به گفته او، این وکیل دادگستری، پس از آزادی موقت، به دلیل پذیرش و تجویز اعاده دادرسی، در صدد تمدید پروانه بر آمد اما هیئت مدیره وقت کانون وکلای دادگستری به دلایل واهی از جمله به خطر افتادن مصلحت فعلی کانون یا مناسب نبودن شرایط مابین کانون و قوه قضائیه و دلایلی از این دست، از تمدید پروانه او سرباز زده است.

در حالی که ابطال، تعلیق یا بازداشت وکلای دادگستری در ایران به دلیل تلاش آن‌ها برای پذیرش وکالت و دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی، همچنان ادامه دارد، کانون‌های

کانون وکلای دادگستری؛ نیمه جان و تحت سیطره نهادهای حکومت ایران



تبعی در نظر گرفته شده بود. من در همان زمان صدور حکم، با دادستان انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز راجع به حکم صادر شده برای همسرم گفت‌وگو کردم که او اظهار داشت، با توجه به قوانین اجرایی و لایحه استقلال کانون وکلا، باید این حکم (محرومیت امیرسالار داوودی از وکالت به مدت دو سال) به دادرسی انتظامی کانون وکلا ابلاغ شود و چنانچه ابلاغیه صورت نگیرد، آنها به طور خود خواسته این حکم را اجرا نخواهند کرد. با همه این اوصاف اما همسرم همچنان قادر به تمدید پروانه و انجام حرفه وکالت خود نیست.

پس از آزادی موقت امیرسالار داوودی، به دلیل پذیرش و تجویز اعاده دادرسی، او در صدد تمدید پروانه بر آمد که متأسفانه اعضای هیئت مدیره وقت کانون وکلا، پس از تشکیل جلسات بیهوده با همسرم، سعی در مجاب کردن او برای عدم تمدید پروانه وکالتش داشتند و به دلایل واهی از جمله به خطر افتادن مصلحت فعلی کانون یا مناسب نبودن شرایط مابین کانون و قوه قضائیه و دلایلی از این دست، از تمدید پروانه وکالت او طفره رفتند.

در واقع هیات مدیره وقت کانون وکلای مرکز، شرایطی را فراهم آورد تا همسرم نتواند در مدت کوتاهی که در آزادی موقت بود، پروانه وکالت خود را تمدید کند و پس از آنکه لایحه جدید استقلال کانون وکلای دادگستری، برای همه کانون‌های وکلا، لازم اجرا شده است، چندان به ادامه فعالیت امیرسالار داوودی در

حرفه وکالت امیدوار نیستیم و احتمال لغو یا ابطال پروانه برای او بسیار بالاست.

براساس خبرهای منتشر شده در ماه های اخیر، کانون وکلای دادگستری استان مرکزی از احتمال لغو پروانه وکالت محمد نجفی، وکیل دادگستری زندانی خبر داده است. همچنین محمد مصدق کهنمویی، معاون اول قوه قضائیه، اعلام کرده است که پروانه وکالت شیرین عبادی، حقوق دان برجسته ایرانی به دلیل «عدم اعتقاد به ولایت فقیه» قرار است لغو شود. به بیان دیگر، حکومت ایران از این مکانیسم به عنوان تهدیدی علیه وکلای دادگستری استفاده می‌کند. ارزیابی شما درباره چنین رویکردی چیست؟ آیا حکومت ایران به لحاظ قانونی و حقوقی می‌تواند پروانه وکالت وکلای دادگستری را به دلیل کنشگری در زمینه حقوق بشر باطل کند؟

برای پاسخ به این پرسش نخست باید پیشینه مربوط به اجازه ورود یا عدم آن توسط کانون وکلای دادگستری مختصراً توضیح دهم تا مخاطب ضمن دانستن پیشینه این امر و با مقایسه شرایط فعلی به نتیجه درست و عقلایی برسد.

در سال ۱۳۳۳ و پس از تصویب لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، تمامی

شرایط، چگونگی انتخاب اعضای هیئت محروم شده اند.

مدیره، حدود فعالیت وکلا، تخلفات و مقررات انتظامی و همچنین ضمانت اجرای مربوط به کانون های دادگستری ابلاغ و اجرایی شد. تعلیق وکیل از حرفه وکالت بود که این مهم در ماده ۱۰ این لایحه به صورت مشخص و صریح اعلام شد که «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نخواهد شد: ماده ۱۵

۱. اتباع خارجه
۲. قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه
۳. محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد
۴. محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی
۵. اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت
۶. محکومین به جنحه

هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات، وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا با ذکر دلیل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدید نظر کند. ماده ۱۷

کانون یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعیست.

۷. کسانی که به اتهام جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند

۸. اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت

بسیاری از نهاد های مدنی مستقل، کانون وکلا

نیز از این تیررس در امان نماند و انقلابیون به مدت ۱۶ سال، قدیمی‌ترین نهاد مدنی را به حالت نیمه فعال درآوردند تا با اهداف انقلابی خود، مانع استقلال و کیل دادگستری و کانون وکلا باشند و بدین ترتیب کانون با سرپرست اداره گردید. در سال ۱۳۷۶ و پس

از تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، قوانین و مقررات حاکم بر حرفه وکالت تا حدودی دستخوش تغییرات شد. در این قانون نیز وفق تبصره پنج از ماده دو، تنها دادگاه انتظامی کانون اجازه تعلیق پروانه وکالت و کیل دادگستری را دارد.

«تبصره ۵- اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد. هرگاه وکیل فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه انتظامی وکالت، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی، نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه، رأی مقتضی صادر خواهد کرد. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید».

متأسفانه در سال‌های اخیر حکومت جمهوری اسلامی ایران، مستقل بودن این نهاد مدنی از حاکمیت را بر نتابیده و با تفکری عجیب

که همه کانون‌ها و ادارات می‌بایست زیر مجموعه حاکمیت بوده و از آن دستور بگیرند، به صورت کاملاً ناگهانی و پنهانی، «لایحه استقلال کانون‌های وکلا» را به زعم خود

فعالیت آنها باید محدود یا لغو شود، با ارسال گزارش به کانون وکلا و دادگاه انتظامی وکلا، پروانه وکالت آنها لغو یا تعلیق خواهد شد. و همچنین در ماده ۱۴۰ لایحه استقلال مصوب ۱۴۰۲ آمده است:

«در صورتی که نسبت به وکیل به اتهام ارتکاب جرائم درجه یک الی شش، موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، کیفرخواست یا حکم محکومیت غیرقطعی صادر شود، دادستان عمومی و انقلاب یا رئیس حوزه قضایی یا دادگاه رسیدگی‌کننده، باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف رئیس کانون به دادگاه انتظامی ارجاع شود. دادگاه انتظامی

در صورتی که دلایل را قوی بداند و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد، حکم تعلیق موقت او را تا صدور حکم قطعی در پرونده کیفری یا انتظامی صادر می‌کند. در کلیه مواردی که تفکیک جنبه انتظامی از جنبه کیفری ممکن باشد، پرونده برای رسیدگی به تخلف انتظامی وکیل، نزد دادستان انتظامی ارسال می‌شود و طبق مقررات به تخلف انتظامی رسیدگی می‌شود».

در این حالت اعمال فشار بر دادگاه انتظامی مبنی بر تعلیق پروانه وکلایی که حکم کیفری داشته یا در حال حاضر تحمل حبس می‌نمایند بسیار شدید و قابل ملاحظه است.

با توضیحات ارائه شده در فوق و با تصویب لایحه جدید استقلال کانون‌های وکلا، عملاً

کانون‌های وکلا و ارکان داخلی آن چندان

نقش مستقلی در این خصوص نداشته و متأسفانه اعمال نفوذ نهادهای حکومتی و ارکان داخلی کانون‌ها از جمله اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن آن یعنی دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا هیچ عملی مغایر با خواسته حاکمیت انجام نمی‌دهد.

در واقع حتی ماده ۱۴۰ همین لایحه جدید نیز اختیار عمل نهایی را به دست کانون وکلا و دادگاه انتظامی سپرده است اما در عمل آنچه شاهد آن هستیم مغایر با حمایت وکلا از یکدیگر و رفتاری مطابق میل حاکمیت است.

اوایل آبان‌ماه سال جاری، روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در گزارشی ادعا کرد برخی از وکلای دادگستری در ایران، توسط اسرائیل، آموزش جاسوسی دیده‌اند. به نظر شما چرا حکومت ایران، چنین نگاه خصمانه‌ای به نهاد وکالت دارد؟ چنین ادعایی بر چه مبنایی طرح می‌شود؟

نهاد وکالت به عنوان قدیمی‌ترین نهاد مدنی مستقل با سابقه ای حدود ۱۰۰ سال هیچ‌گاه از تیررس حکومت‌ها در امان نبوده است. به گونه‌ای که پس از انقلاب ۱۳۵۷ این قهر و غلبه بر نهاد وکالت شدت گرفت و حکومت جمهوری اسلامی همواره سعی در محدود نمودن این استقلال و تحت نظارت بردن این نهاد داشته است.

به دلیل ضعف حکومت بر عملکرد نهادهای

تحت نظارت خود از جمله در زمینه مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، کشور ایران همواره آستان رخدادهایی است که از دید حکومت چندان مطلوب نیست و هر زمان به واسطه یکی از این قصورات ناشی از حکمرانی ناکارآمد، اعتراضات گسترده‌ای در کشور رخ می‌دهد که متعاقب آن، موج دستگیری‌ها و بازداشت افراد در آن دوره و پس از آن بسیار چشم‌گیر است. قطعاً با بازداشت افراد، خود شخص و خانواده آنها نیاز به وکیلی دارند تا از حقوق حقه آنها در مقابل حکومت دفاع کند. از سوی دیگر، وکلایی که در این حوزه (حوزه حقوق بشر) فعالیت دارند، بسیار محدود و قابل رصد هستند. قطعاً حکومت جمهوری اسلامی هیچ‌گاه تمایلی به حضور این وکلا در دادگاه‌های موسوم به دادگاه انقلاب ندارد و تمامی تلاش خود را برای حذف این وکلا انجام خواهد داد تا به هر عنوان گاهی با پرونده سازی و انتساب اتهامات واهی و صدور احکام سنگین برای وکلا و گاهی با نگارش متون سراسر کذب مبنی بر همکاری وکلا با سرویس‌های جاسوسی خارجی، این وکلا را دلسرد کرده و از ادامه فعالیت حرفه‌ای خود بازدارد.

در روزنامه جوان، متنی سراسر موهوم و کذب منتشر شده، تنها برای تخریب وکلایی که با ماندن در کنار مردم در دوره اعتراضات و پس از آن، ثابت کردند که مستقل هستند و به هیچ روی، تحت نظارت حکومت بودن را بر نمی‌تابند.

در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از خیزش سراسری زن، زندگی، آزادی، وکلای مدافع حقوق بشر بیش از گذشته از سوی حکومت ایران تحت فشار و پیگرد قرار گرفتند؟ به‌نظر شما، در چنین شرایطی، کانون‌های وکلا چه اقدام موثری برای محافظت از وکلا می‌توانند انجام دهند؟

در پاسخ به این پرسش باید بین دوره فعلی و دوره‌های سابق هیئت مدیره، تفکیک قائل شد. سابق بر این، به دلیل عدم سخت‌گیری در تایید صلاحیت نامزدهای هیات مدیره، افراد شایسته و دلسوز امکان ورود به هیئت مدیره را داشتند و این مدیران تا جایی که مصلحت

کانون وکلا و همچنین وکلای دادگستری به مخاطره نمی‌افتاد، مقابل حکومت ایران ایستادگی می‌کردند. همین امر حاکمیت را بر آن داشت تا قوانین نظارتی بیشتری بر کانون‌های وکلا اعمال کند. در حال حاضر، کانون‌های وکلای دادگستری به عنوان نهاد نیمه جان مستقل، عملاً تحت سیطره حاکمیت، هیئت مدیره را انتخاب می‌کنند. در چنین شرایطی، افراد صالح بیشتری رد صلاحیت شده و افراد حکومتی و وابسته بر مسند هیئت مدیره کانون قرار گرفته‌اند.

همین امر حوزه اختیارات و عمل دادگاه عالی انتظامی قضات برای رد صلاحیت شماری از وکلا پس از انتخاب را نیز گشود به گونه‌ای که در انتخابات اخیر هیئت مدیره کانون وکلای مرکز، پس از انتخابات و شمارش آراء و در

زمان انتخاب افراد شایسته بر مسند هیئت مدیره، دادگاه عالی انتظامی قضات پنج نفر از اعضای اصلی را به دلایل واهی رد صلاحیت کرد و بدین ترتیب افرادی که رأی نیاورده بودند، در جایگاه هیئت مدیره قرار گرفتند.

بدین سان آنچه حکومت جمهوری اسلامی، در طی سال‌ها به دنبال محاق بردن هیئت مدیره کانون‌های وکلا بود، در این دوره انتخابات هیئت مدیره انجام داد تا هیئت مدیره‌ای در عمل تحت نظارت حاکمیت، مطامع حکومت را پیش ببرد.

آنچه حکومتی بودن هیئت مدیره فعلی کانون را تایید می‌کند، عدم اقدام مناسب برای وکلای

در بند بود به گونه‌ای که در اعتراضات سال گذشته تعداد بیشماری از وکلا توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند اما هیئت مدیره کانون وکلا، هیچ اقدامی برای رهایی آنها انجام نداد. این عدم واکنش به موقع و مفید، حاکمیت را بر آن داشت تا به خود اجازه دهد حدود ۷۰ وکیل را در اردیبهشت امسال احضار نمایند چرا که می‌دانست کانون وکلا و هیئت مدیره وقت، هیچ واکنش در خوری نشان نخواهد داد.

این مهم تنها برای کانون وکلای مرکز (تهران) نبوده و سایر هیئت مدیره‌های کانون‌های دیگر که موعد انتخابات‌های پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ بود، از این امر مستثنی نشدند و همان رد صلاحیت‌های گسترده و ورود کاندیداهایی با گرایش مد نظر حاکمیت، برای آن کانون‌ها نیز اتفاق افتاد.

آنچه پس از این اتفاقات در حال وقوع است، وجود و ظهور هیئت مدیره‌هایی است که برای خوش آمد حاکمیت حتی حاضر به از بین بردن کانون وکلای مستقل هستند و از هیچ تلاشی نیز برای این امر کوتاهی نمی‌کنند.

با ورود این افراد بر مسند هیئت مدیره، بدنه حرفه وکالت که همواره بازوی اجرایی و اتاق فکر هیئت مدیره محسوب می‌گردد، دلسرد و به عقب رانده شده که قطعاً آنگاه که می‌تواند نظرات مشورتی خوبی به هیئت مدیره دهد، به دلیل همین بی‌کفایتی، از آن بهره لازم برده نخواهد شد.

امیر مهدی پور:

کانون‌های وکلای دادگستری به بازوی سرکوب حکومت ایران تبدیل شده است



جواد عباسی توللی

در شرایطی که ابطال، تعلیق یا بازداشت وکلای دادگستری در ایران به دلیل تلاش آن‌ها برای پذیرش وکالت و دفاع از شهروندان بازداشت‌شده در جریان خیزش سراسری زن، زندگی، آزادی و سایر زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد، کانون‌های وکلای دادگستری نیز هیچ اقدام موثری در دفاع از وکلایی که از سوی نهادهای امنیتی و مراجع قضائی تحت فشار قرار گرفته‌اند، انجام نداده‌اند.

امیر مهدی پور، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای استان آذربایجان شرقی، از جمله وکلای مدافع حقوق بشر در ایران است که در ماه‌های اخیر به دلیل حمایت از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ از سوی دادگاه انقلاب تبریز، به حبس، تعلیق پروانه وکالت و مجازات‌های دیگر محکوم شده است.

مجله حقوق ما، در گفت‌وگو با این وکیل دادگستری، به دلایل رویکرد خصمانه حکومت جمهوری اسلامی به نهاد وکالت در ایران و همچنین چشم‌انداز پیش روی کانون‌های وکلای دادگستری در کشور و عملکرد این کانون‌ها پرداخته است.

در روزهای اخیر، اعلام شده است که پروانه وکالت آقای محمد نجفی، وکیل دادگستری زندانی قرار است لغو شود. همچنین محمد مصدق کهنه‌مویی، معاون اول قوه قضاییه در ماه‌های اخیر از

لغو پروانه وکالت خانم شیرین عبادی خبر داده بود. به بیان دیگر، حکومت ایران از مکانیسم لغو یا تعلیق پروانه وکالت، به‌عنوان تهدیدی علیه وکلای دادگستری استفاده می‌کند. از سوی دیگر، اوایل آبان‌ماه، روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران، در گزارشی ادعا کرد برخی از وکلای دادگستری در ایران، از سوی اسرائیل، آموزش جاسوسی دیده‌اند. به نظر شما چرا حکومت ایران، چنین نگاه خصمانه‌ای به نهاد وکالت دارد؟

جمهوری اسلامی ایران، یک رژیم تمامیت‌خواه است. بدین معنا که در هیچ عرصه‌ای اجازه نمی‌دهد نهاد مستقلی به‌غیر از خود وجود داشته باشد. این رژیم حتی نهادهای حاکمیتی مانند مجلس و ریاست جمهوری را هم یک‌دست کرده است. علاوه بر این، به‌عنوان مثال، حتی استقلال فدراسیون‌های ورزشی را هم بر نمی‌تابد و اجازه نمی‌دهد تا یک فدراسیون ورزشی، مستقلاً سازوکار خودش را داشته باشد و انتخابات خودش را برگزار کند. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی تلاش می‌کند به همه نهادها دست اندازی کرده و به استقلال آنها دستبرد بزند.

در این بین، نهاد مستقلی به نام کانون وکلای دادگستری هم وجود دارد که کار آن دقیقاً دفاع از حقوق ملت در برابر زیاده‌خواهی این حکومت است. اگر از این زاویه بررسی کنیم، خواهیم دید رابطه خصمانه رژیم تمامیت‌خواهی نظیر جمهوری اسلامی، با کانون وکلای دادگستری،

امری دور از ذهن نخواهد بود. وکلای مستقل و مدافع حقوق بشر، درست در جایی که حکومت قصد دارد حقوق ملت را نقض کند، در مقابل آن ایستاده‌اند.

در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از خیزش سراسری زن، زندگی، آزادی، وکلای مدافع حقوق بشر بیش از گذشته از سوی حکومت ایران تحت فشار و پیگرد قرار گرفتند؟ به‌نظر شما، در چنین شرایطی، کانون‌های وکلا چه اقدام موثری برای محافظت از وکلا می‌توانند انجام دهند؟

حکومت ایران در سال‌های اخیر، به دو شکل تلاش داشته تا در کانون‌های وکلای دادگستری نفوذ کند. یکی از این اشکال، تصویب قوانین مختلف بود که حکومت جمهوری اسلامی سعی کرد با تصویب این قوانین، افرادی را که دل در گرو حکومت دارند، به‌عنوان وکیل در بدنه کانون‌های وکلا بگنجانند.

برای مثال، قانونی تصویب شد که طبق آن، قضاتی که بازنشسته شده‌اند یا نمایندگان مجلسی که دیگر نمی‌خواهند نماینده مجلس باشند، می‌توانند پروانه وکالت بگیرند. در سال‌های گذشته، چنین افرادی در بدنه کانون‌های وکلای دادگستری جای گرفته‌اند.

شکل دیگر نفوذ حکومت در کانون‌های وکلای دادگستری این است که صلاحیت افرادی که قصد داشتند در انتخابات هیئت مدیره کانون‌های وکلا نامزد شوند، طبق آئین‌نامه‌ای که قوه

قضائیه در سال ۱۳۹۹ تصویب کرده است، باید صلاحیت آنها توسط نهادهای امنیتی و همچنین در دادگاه انتظامی قضات احراز شود. چنین رویکردی باعث می‌شود افرادی در رده‌های مدیریتی کانون‌های وکلا جای بگیرند که از فیلتر حکومت رد شده‌اند.

در چنین شرایطی، افرادی که از فیلترهای جمهوری اسلامی رد شده‌اند، یا از وابستگان به این حکومت هستند، در دادگاه و دادرسی انتظامی کانون‌های وکلا و هیئت مدیره کانون‌ها حضور دارند و زمانی که منافع حکومت جمهوری اسلامی با منافع کانون‌های وکلا در تعارض قرار گیرد، این افراد، منافع حکومت را بر منافع وکلای دادگستری ترجیح خواهند داد.

دادگاه و دادرسی انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری، نهادی است که برای خود تنظیمی کانون‌های وکلا ایجاد شده است اما حکومت جمهوری اسلامی این نهاد را تبدیل به ابزار سرکوب کرده و علیه وکلای مدافع حقوق بشر به کار گرفته است. به‌عنوان مثال، اگر وکیلی علیه موکل خود اقدامات غیر حرفه‌ای انجام دهد، و تخلف انتظامی کند، دادرسی و دادگاه انتظامی وکلا مکلف است که به چنین تخلفاتی رسیدگی کند. این نهاد اما در حال حاضر، حتی وکلایی که در مقابل زیاده‌خواهی حکومت جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و از حقوق مردم دفاع می‌کنند را محکوم می‌کنند. من یکی از قربانیان چنین رویکردی در کانون‌های وکلای دادگستری هستم. زمانی که شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز مرا به چهار ماه حبس و مجازات‌های دیگر محکوم کرد، دادگاه انتظامی کانون وکلا هم

حکم پنج ماه محرومیت از وکالت برای من صادر کرد و در حال حاضر، این حکم اجرا شده است. در خیزش سراسری زن، زندگی، آزادی، کانون

وکلای دادگستری آذربایجان شرقی با وزارت اطلاعات و حفاظت اطلاعات قوه قضائیه همکاری کرد. برای نمونه، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، بسیاری از وکلای مدافع حقوق بشر را به دادرسی انتظامی کانون وکلا معرفی کرد و این دادرسی هم به طرق مختلف از جمله با تهدید، ارباب یا تطمیع وکلا، از آنها خواست تا به فعالیت‌های خود ادامه ندهند. به‌بیان دیگر، دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری در جریان خیزش مردمی ۱۴۰۱ به یکی از بازوهای سرکوب حکومت تبدیل شده بود.

در چنین شرایطی و با تصویری که شما از وضعیت فعلی کانون‌های وکلای دادگستری به‌دست دادید، از دیدگاه شما، چه چشم‌اندازی پیش روی کانون‌های وکلا وجود دارد؟

پیش‌بینی من این است که حکومت جمهوری اسلامی، در هر صورت شرایطی برای کانون‌های وکلا ایجاد خواهد کرد تا در نهایت همین استقلال نیم‌بند هم که این کانون‌ها دارند، از دست بدهند و به نوعی کانون‌های وکلا را در شرایطی قرار خواهند داد که این کانون‌ها نه برای احقاق حق مردم بلکه تنها برای حفظ موجودیت خود تلاش کنند.

از طرف دیگر، در وضعیت موجود، متأسفانه شرایط وکلا در کشور به شکلی شده است که

دیگر توان مالی سال‌های قبل را ندارند تا بتوانند وکالت پرونده‌های قربانیان نقض حقوق بشر را به صورت رایگان برعهده بگیرند. برای مثال، در استان آذربایجان شرقی، برخی از موسسات خیریه ایجاد شده‌اند که به زنان قربانی خشونت خانگی کمک می‌کنند، نظیر خیریه ابرار قائم که خدمات تخصصی در زمینه تهیه مسکن برای زنان ارائه می‌دهد و همچنین خیریه نوبر که یک موسسه خیریه شناخته شده در سطح استان است. من با چنین موسساتی همکاری داشتم و به مددجویان آنها به صورت رایگان خدمات حقوقی ارائه می‌دادم. در سال‌های گذشته و زمانی که در ایران حضور داشتم، وکالت پرونده‌های مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان را به‌طور رایگان قبول می‌کردم و از آنجائی که درآمد کافی داشتم، برخی از هزینه‌های مالی مربوط به چنین پرونده‌هایی را هم خودم برعهده می‌گرفتم.

در حال حاضر اما وضعیت اقتصادی در ایران به‌شکلی است که وکلا بیشتر به دنبال تامین درآمد و در پی تامین معاش خود هستند. از طرف دیگر، اقدامات حکومت جمهوری اسلامی و اعمال فشار روزافزون بر کانون‌های وکلای دادگستری، موجب خواهد شد تا این کانون‌ها در سال‌های آینده، برای حفظ موجودیت خود، چالش‌های بسیار بزرگ‌تری پیش رو داشته باشند. در شرایط فعلی، کانون‌های وکلای دادگستری در وضعیت حساسی قرار دارند که امیدوارم مدیران کانون‌ها بتوانند از این پیچ تاریخی و وضعیت حساس، به سلامتی کانون‌ها را عبور دهند.

قاسم بعدی بناب:

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا از

قانون‌های وکلای یک نهاد «بله قربان‌گو» بسازد



جواد عباسی توللی

مقامات جمهوری اسلامی ایران، در طول دهه‌ها و سال‌های گذشته تاکنون، از طریق تعلیق یا ابطال پروانه وکالت، احضار و بازداشت وکلای مستقل دادگستری، به اعمال فشار بر آنها پرداخته و تلاش کرده‌اند تا بیش از پیش استقلال قانون‌های وکلای دادگستری را مخدوش کنند.

«دلایل نگاه خصمانه حکومت ایران به نهاد وکالت در ایران چیست؟ آیا قوه قضائیه ایران از لحاظ قانونی قادر است پروانه وکالت وکلای مدافع حقوق بشر را لغو یا تعلیق کند؟ چرا وکلای مستقل دادگستری در ایران همواره به دلیل عمل به وظیفه ذاتی خود، یا به بیان دیگر، دفاع از حقوق متهمان، از سوی نهادهای امنیتی و مراجع قضائی تحت فشار قرار دارند؟» قاسم بعدی بناب، در گفت‌وگو با مجله حقوق ما، به این پرسش‌ها پاسخ داده است.

در ماه‌های اخیر، اعلام شده است که پروانه وکالت آقای محمد نجفی، وکیل دادگستری زندانی قرار است لغو شود. همچنین محمد مصدق کهنمویی، معاون اول قوه قضائیه در ماه‌های اخیر از احتمال لغو پروانه وکالت خانم شیرین عبادی خبر داده است. به بیان دیگر، حکومت ایران از این مکانیسم به عنوان تهدیدی علیه وکلای دادگستری استفاده می‌کند. ارزیابی شما درباره چنین رویکردی چیست؟ به نظر شما چرا حکومت ایران، چنین

قاسم بعدی بناب، وکیل دادگستری، استاد دانشگاه و عضو کمیسیون حقوق بشر قانون وکلای آذربایجان شرقی که پس از تشکیل «کمیته دفاع از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری» در مهر ۱۴۰۱ بازداشت شد، نیز از جمله وکلایی است که از زمینه‌چینی نهادهای امنیتی و مراجع قضائی برای لغو پروانه وکالتش در ایران خبر داده است.

در سال‌های اخیر بسیاری از وکلای دادگستری مستقل و مدافع حقوق بشر در ایران به دلیل دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی، در معرض خطر ابطال یا تعلیق پروانه وکالت قرار گرفته‌اند. در ماه‌های اخیر، شعبه شش اجرای احکام کیفری دادگستری اراک، درخواست ابطال پروانه وکالت محمد نجفی، وکیل دادگستری و زندانی سیاسی را به قانون وکلای استان مرکزی ارسال کرده است. از سوی دیگر، محمد مصدق کهنمویی، معاون اول قوه قضائیه، در خرداد ماه سال جاری، خواستار لغو پروانه وکالت شیرین عبادی، حقوق‌دان برجسته ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل، به دلیل «عدم اعتقاد به ولایت فقیه» شد.

نگاه خصمانه‌ای به نهاد وکالت دارد؟

رویکرد خصمانه حکومت جمهوری اسلامی نسبت به نهاد وکالت، از نخستین سال‌های شکل‌گیری این حکومت تا امروز ادامه داشته است. دلیلش هم مستقل بودن کانون‌های وکلا است. استقلال کانون وکلای دادگستری از حکومت هم مستند به قانون است.

مقامات جمهوری اسلامی در سال‌های نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ کانون‌های وکلا را تعطیل کردند و در سال‌های بعد از آن، برای بعضی از کانون‌هایی که مجدداً بازگشایی شد، از میان‌کارمندان یا قضات قوه قضائیه، روسای انتصابی تعیین کردند. این در حالی است که لایحه استقلال کانون‌های وکلای دادگستری، یک شیوه مدنی دارد و از طریق انتخاباتی که توسط خود وکلا انجام می‌شود، رئیس و هیئت مدیره از بین خود وکلا انتخاب می‌شوند. هرچند این رویه پس از گذشت چند سال، به روایی که در قانون مشخص شده بود، بازگشت اما عناد حکومت جمهوری اسلامی با کانون‌های وکلا کماکان ادامه داشت. در سال ۱۳۷۸ با تصویب ماده واحده‌ای، نفوذ قوه قضائیه به داخل

تشکیلات کانون‌های وکلا را پی‌ریزی کردند. در آن زمان اعلام شد صلاحیت وکلایی که قصد دارند عضو هیئت مدیره باشند، باید از طریق دادگاه انتظامی قضات تایید شود.

حکومت ایران، در سال‌ها و دهه‌های اخیر، به اشکال مختلف، تلاش کرده تا استقلال کانون‌های وکلا را به‌طور پیوسته مخدوش سازد. در سال ۱۴۰۰ آئین نامه اجرائی لایحه

قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری را تنظیم کردند یا به اصطلاح، آن آئین نامه سابق را اصلاح کردند و در آئین نامه جدید، حدود اختیارات و دخالت قوه قضائیه را در تشکیلات کانون‌های وکلا، در حد زیادی توسعه دادند. این آئین نامه دقیقاً در آخرین روزی که ابراهیم رئیسی، ریاست قوه قضائیه را برعهده داشت، توسط او امضاء شد.

در سال‌های اخیر رد صلاحیت‌های گسترده وکلا برای عضویت در هیئت مدیره، در سال‌های اخیر بسیار زیاد بوده است. به عبارت دیگر، از مجموع داوطلبان شرکت در انتخابات هیئت مدیره کانون‌های وکلا، معمولاً بین ۵۰ تا ۷۰ درصد همواره رد صلاحیت شده‌اند.

در سال‌های اخیر شمار زیادی از وکلای دادگستری، به اشکال مختلف تلاش کرده‌اند تا در مقابل چنین رویکردهایی بایستند اما حکومت جمهوری اسلامی، گوش شنوایی برای شنیدن صدای مخالف ندارد و تنها تلاش می‌کند تا کانون‌های وکلا را به در کنترل خود درآورده و از آن یک نهاد «بله قربان گو» بسازد.

همچنین در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، قوه قضائیه، به موازات کانون‌های وکلای دادگستری، مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضائیه ایجاد کرد. در قانون برنامه پنجم توسعه، این مرکز صرفاً به‌عنوان مرکز مشاوران معرفی شده بود اما در سال‌های بعد اعلام کردند این مرکز، اجازه دارد پروانه وکالت هم صادر کند. مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضائیه، در

واقع، یکی از معاونت‌های قوه قضائیه است. در بیان دیگر، هیچ ارتباطی به کانون‌های وکلای دادگستری ندارد. وکلایی که از این مرکز، پروانه وکالت دریافت کرده‌اند، به نام

وکلا ماده ۱۸۷ هم شناخته شده‌اند. نکته قابل تأمل این است که وکلایی که به‌دلیل کنش‌گری در زمینه حقوق بشر بازداشت می‌شوند یا وکلای مدافع حقوق بشر که وکالت پرونده‌های سیاسی-امنیتی را بر عهده می‌گیرند، بدون استثناء همگی عضو کانون‌های وکلای دادگستری هستند. متأسفانه مردم از تفاوت میان وکلای عضو کانون‌های وکلای دادگستری و وکلایی که از مرکز مشاوران قوه قضائیه پروانه وکالت دریافت کرده‌اند، اطلاع چندانی ندارند چرا که حتی وکلای ماده ۱۸۷ هم در تابلوی دفتر خود، عبارت «وکیل پایه یک دادگستری» را به‌کار می‌برند.

دیگر، مرجع رسیدگی به این موضوع، دادسرا و دادگاه انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری است و مرجع تجدید نظر هم دادگاه عالی انتظامی قضات است. روال بدین ترتیب است که پس از گزارش مورد تخلف یا نقض قانون وکلای متخلف، به دادسرای انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری، دادستان این دادسرا و سپس قضات دادگاه‌های انتظامی کانون‌های وکلا می‌توانند حکم بر ابطال پروانه یک وکیل را صادر کنند. البته مجازات‌های تعیین شده در این زمینه، از درجه یک تا درجه شش را شامل می‌شود که مجازات درجه شش، به‌معنی ابطال پروانه وکالت است. مجازات درجه پنج، منجر به تعلیق طولانی مدت پروانه وکالت خواهد شد و مجازات درجات پایین‌تر، به‌صورت تعلیق‌های موقت، توبیخ و مواردی از این دست، صادر می‌شود.

در هیچ یک از قوانینی که در حوزه وکالت وجود دارد، قبول پرونده متهم سیاسی یا فعالیت‌های حقوق بشری یا حتی فعالیت‌های سیاسی که در قوانین مشخص شده، نباید موجب ابطال پروانه وکالت شود اما به‌ویژه در سال‌های اخیر شاهد رسیدگی‌های دستوری به پرونده وکلای مدافع حقوق بشر در دادسرا و دادگاه انتظامی کانون‌های وکلا هستیم. به بیان دیگر، دادرهای انتظامی کانون وکلا، تحت فشار نهادهای امنیتی و مراجع قضائی، اقدام به صدور کیفرخواست علیه وکلای مدافع حقوق بشر می‌کنند.

آیا قوه قضائیه آیا حکومت ایران به لحاظ قانونی و حقوقی می‌تواند پروانه وکالت وکلای دادگستری را به دلیل کنشگری در زمینه حقوق بشر باطل کند؟

طبق قوانین موجود، قوه قضائیه به‌طور مستقیم و به‌صورت دستوری حق ابطال پروانه وکالت وکلای عضو کانون‌های وکلای دادگستری را ندارد و موضوع ابطال پروانه وکالت این وکلا از طریق سازوکاری که در داخل کانون‌های وکلا قرار تعیین شده است انجام می‌گیرد. به بیان

لغو پروانه وکالت به مثابه ابزاری برای اعمال فشار مضاعف بر وکلای مدافع حقوق بشر



جواد عباسی توللی

حقوق بشر، همواره به مثابه یک اهرم فشار علیه این وکلا سوء استفاده کرده‌اند.

سینا یوسفی، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی، از جمله وکلای دادگستری‌ای است که به دنبال دفاع

از حقوق شهروندان بازداشت شده در جریان «خیزش سراسری زن، زندگی، آزادی» تحت فشار نهادهای امنیتی و قضائی در ایران قرار گرفت و حفاظت اطلاعات قوه قضائیه ایران، در ماه‌های اخیر، از کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی خواسته است تا پروانه وکالت او را لغو کند.

« آیا حکومت ایران به لحاظ قانونی و حقوقی می‌تواند پروانه وکالت وکلای دادگستری را به دلیل کنشگری در زمینه حقوق بشر، باطل کند؟ آیا در کانون‌های وکلا، آئین نامه یا مصوبه‌ای برای حمایت از وکلایی که تحت فشار حکومت قرار می‌گیرند، وجود دارد؟ نقش کانون وکلا در دفاع از وکلایی که به دلیل دفاع از زندانیان سیاسی تحت فشار قرار گرفته‌اند، چیست؟ »

مجله حقوق ما، با طرح پرسش‌هایی از این دست، با سینا یوسفی گفت‌وگو کرده است.

به تازگی اعلام شده است که پروانه وکالت آقای محمد نجفی، وکیل دادگستری زندانی قرار است لغو شود. همچنین محمد مصدق کهنمویی، معاون اول قوه قضائیه، در ماه‌های

مسأله استقلال کانون وکلای دادگستری در ایران اما همواره یکی از مسائل محوری بحث درباره حاکمیت قانون یا دادرسی عادلانه بوده است.

تأسیس کانون وکلای دادگستری در ایران به اسفند ماه سال ۱۳۳۱ و دوران نخست وزیری محمد مصدق بازمی‌گردد. لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در ایران توسط مصدق امضا شد. از آن زمان تا انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران، کانون وکلا به عنوان تنها نهاد غیردولتی و دموکراتیک برای پیشبرد روند دادرسی عادلانه به شمار می‌رفت.

پس از شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران، این نهاد حقوقی نه تنها از سوی قوه قضائیه تحت فشار قرار گرفت و برگزاری انتخابات هیأت مدیره در آن به مدت ۱۸ سال تعلیق شد بلکه با تصویب قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» در بهار سال ۱۳۷۶، کانون وکلای دادگستری ایران مکلف شد تا در مورد صلاحیت وکلای داوطلب برای عضویت در این کانون، از مراجع امنیتی استعلام کند.

در طول دهه‌ها و سال‌های گذشته تاکنون، فشار نهادهای حکومتی برای مخدوش سازی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در ایران به طور پیوسته ادامه داشته است. نهادهای امنیتی و قوه قضائیه جمهوری اسلامی، از ابطال یا تعلیق پروانه وکالت وکلای مدافع

اخیر از لغو پروانه وکالت خانم شیرین عبادی خبر داده است. به بیان دیگر، حکومت ایران از مکانیسم لغو پروانه وکالت، به‌عنوان تهدیدی علیه وکلای دادگستری استفاده می‌کند. ارزیابی شما درباره چنین رویکردی چیست؟ آیا حکومت ایران به لحاظ قانونی و حقوقی می‌تواند پروانه وکالت وکلای دادگستری را به دلیل کنشگری در زمینه حقوق بشر، باطل کند؟

از نظر قانونی، صدور، تعلیق یا ابطال پروانه وکالت بر عهده کانون‌های وکلالت است. به بیان دیگر، مجموعه‌ای تحت عنوان دادسرا و دادگاه انتظامی کانون‌های وکلا وجود دارد که به تخلفات انتظامی وکلا رسیدگی می‌کنند و قوه قضائیه به لحاظ قانونی نباید هیچ دخالتی در این موارد داشته باشد.

در خیزش سراسری ۱۴۰۱ برای شهروندان، به صرف حضور آنها در خیابان یا سر دادن شعارهایی بر علیه حکومت جمهوری اسلامی، پرونده سازی شده بود. وکلای مدافع حقوق بشر چنین پرونده‌سازی‌هایی را در جریان این اعتراضات افشا کردند. به‌عنوان مثال، وکلای دادگستری، حداقل گزارش‌های مغرضانه نهادهای امنیتی درباره شهروندان بازداشت‌شده را نقد کردند و در دادگاه آنها را زیر سوال بردند. حکومت جمهوری اسلامی اما چنین اقداماتی

از سوی وکلای دادگستری را بر نمی‌تابد. درباره تصویب آئین نامه‌ای که به ضرر

وکالت وجود داشته است. دلیل این امر هم افشای موارد نقض حقوق بشر توسط وکلای دادگستری است.

به‌عنوان مثال، می‌دانیم که جرم سیاسی در بیشتر کشورها وجود ندارد و مردم در اکثر

کشورهای دنیا آزادند تا حکومت‌ها را بابت عملکردشان نقد کنند. با این حال در ایران، نقد عملکرد حکومت، ممکن است تحت عنوان «تبلیغ علیه نظام» جرم محسوب شود. زمانی که وکلای دادگستری، وکالت پرونده‌های سیاسی را بر عهده می‌گیرند، به گزارش نهادهای امنیتی درباره متهمان سیاسی

دسترسی پیدا می‌کنند. برای نمونه، یک نهاد امنیتی مانند سازمان اطلاعات سپاه، بدون اینکه دلیلی داشته باشد، اشخاص را بازداشت کرده و روزها در بازداشت نگه می‌دارد تا بتواند دلیل برای آن پیدا کند. این یکی از موارد آشکار

نقض قانون است که به‌دست نهادهای امنیتی در ایران روی می‌دهد. وکلای دادگستری اما با دسترسی و مطالعه گزارش این نهادها در پرونده متهمان سیاسی، می‌توانند عمل‌کرد این نهادها را زیر سوال ببرند چراکه ذات حرفه وکالت، دفاع از موکل است.

به‌همین دلیل، نهادهای امنیتی همواره وکلای دادگستری مدافع حقوق بشر را در مقابل خود می‌بینند. در چنین شرایطی است که حکومت جمهوری اسلامی در رسانه‌های خود اتهاماتی نظیر آموزش جاسوسی به وکلا را مطرح می‌کنند.

آیا کانون‌های وکلا، به لحاظ حقوقی و قانونی می‌توانند برای حمایت از وکلایی که تحت فشار نهادهای امنیتی یا قوه قضائیه قرار گرفته‌اند، کاری انجام دهند؟

در بیشتر کانون‌های وکلای دادگستری، چنین سازوکاری وجود ندارد. در برخی از کانون‌ها اما کمیسیون‌هایی برای حمایت از وکلا ایجاد شده است تا بتوانند از وکلایی که بازداشت شده‌اند یا تحت فشار قرار گرفته‌اند حمایت کنند اما این سازوکار، به‌صورت قانونی یا آئین نامه وجود ندارد.

به‌نظر من، دلیل اینکه نهاد وکالت در حال حاضر نمی‌تواند از وکلایی که به وظیفه ذاتی خودشان یعنی دفاع از موکل، عمل کرده‌اند، حمایت کند، از میان رفتن استقلال کانون‌های

وکلا در نظام جمهوری اسلامی است. پس از بر سرکار آمدن حکومت جمهوری اسلامی در ایران تا امروز، نقض استقلال کانون وکلا توسط این حکومت، کار را به جایی رسانده که حتی کانون‌های وکلا قادر به پیگیری وضعیت وکلای مدافع حقوق بشر

بازداشت شده یا زندانی نیستند. در حال حاضر شرایط به‌گونه‌ای است که حتی نهادهای امنیتی‌ای که وکلای مدافع حقوق بشر و مستقل را بازداشت می‌کنند هم هیچ اطلاعاتی در مورد وضعیت این وکلا یا دلایل بازداشت، به کانون‌های وکلا ارائه نمی‌کنند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم نفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net